



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A Study of the Linguistic and Literary Stylistics of Farokhi Sistani

M. Yavari

Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 24 November 2020

Reviewed: 15 January 2021

Revised: 03 February 2021

Accepted: 26 February 2021

KEYWORDS

Farrokhi Sistani, Stylistics,
Linguistic level, Literary level,
Divan, Ode.

*Corresponding Author

✉ yavari1350@yahoo.com

☎ (+98)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Farrokhi Sistani is one of the prominent and capable poets of Khorasani style and one of the great composers of Persian literature, whose poems have long been known for their easy and restrained character. His divan includes ode, preference, piece, lyric and quatrain, of which ninety-two percent are owed. This article examines the stylistics of the poet's divan at both linguistic and literary levels. The main purpose of this article was to study and explain the characteristics of Farokhi poems at two levels.

METHODOLOGY: This research was conducted in a descriptive-analytical manner.

FINDINGS: Farrokhi Sistani's poems have been composed in ten different seas of prosody and five percent of the rhymes of his poems are current rhymes and there are fourteen verses of Morddāf in his divan. Also, the use of novel word arrays, especially various types of puns, ancient Persian verbs and words, Arabic words and phrases, and composition are among Farrokhi's linguistic features.

CONCLUSION: At the literary level, the poet has widely used various similes in his poems, most of which are sensory to sensory similes. After that, Farokhi was considered as a type of metaphor, and after that, irony and permission were in the center of the poet's attention, respectively. A variety of innovative spiritual industries have also been used in Farrokhi's speech, with the highest frequency being the array of contradictions and the lowest being the array of guarantees.

DOI: [10.22034/bahareadab.2021.14.5690](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2021.14.5690)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 16	 1	 0

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

بررسی سبک‌شناسی زبانی و ادبی دیوان فرخی سیستانی

محمد یآوری

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: فرخی سیستانی یکی از شاعران برجسته و توانمند سبک خراسانی و از قصیده‌پردازان بزرگ ادب فارسی است که از دیرباز اشعار او به داشتن صفت سهل و ممتنع مشهور بوده است. دیوان وی شامل قصیده، ترجیع‌بند، قطعه، غزل و رباعیات است که نود و دو درصد آن را قصاید تشکیل می‌دهد. در این نوشتار به بررسی سبک‌شناسی دیوان شاعر در دو سطح زبانی و ادبی پرداخته شده است. هدف اصلی این مقاله بررسی و تبیین ویژگیهای اشعار فرخی در دو سطح موردنظر بوده است.

روش مطالعه: این پژوهش به شیوه توصیفی تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها: اشعار فرخی سیستانی در ده بحر مختلف عروضی سروده شده و پنج درصد از قافیه‌های اشعار او را قوافی فعلی تشکیل داده و چهارده قصیده مردف در دیوان او وجود دارد. همینطور بهره‌گیری از آرایه‌های بدیع لفظی بخصوص انواع گوناگون جناس، افعال و واژگان کهن فارسی، لغات و واژگان عربی و ترکیب‌سازی از جمله ویژگیهای زبانی فرخی بشمار می‌آید.

نتیجه‌گیری: در سطح ادبی، شاعر تشبیهات مختلف را در اشعار خود بطور گسترده بکار برده که بیشترین آنها را تشبیهات حسی به حسی تشکیل می‌دهد. پس از آن انواع استعاره موردتوجه فرخی بوده و بعد از آن نیز کنایه و مجاز به ترتیب در کانون توجه شاعر بوده است. انواع صنایع بدیع معنوی نیز در کلام فرخی بکار گرفته شده است که بیشترین فراوانی را آرایه تضاد و کمترین را آرایه تضمین تشکیل می‌دهد.

تاریخ دریافت: ۰۴ آذر ۱۳۹۹
تاریخ داوری: ۲۶ دی ۱۳۹۹
تاریخ اصلاح: ۱۵ بهمن ۱۳۹۹
تاریخ پذیرش: ۰۸ اسفند ۱۳۹۹

کلمات کلیدی:

فرخی سیستانی، سبک‌شناسی،
سطح زبانی، سطح ادبی، دیوان، قصیده.

* نویسنده مسئول:

yavari1350@yahoo.com

☎ (+۹۸ ۲۱)

مقدمه

ابوالحسن علی بن جلولوغ متخلص به فرخی سیستانی از شاعران اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری و اهل سیستان بود.

من قیاس از سیستان آرم که آن شهر من است	وز پی خویشان ز شهر خویشتن دارم خبر
شهر من شهر بزرگ است و زمینش نامدار	مردمان شهر من در شیر مردی نامور

(دیوان فرخی سیستانی: ص ۱۹۴)

فرخی از شاعران برجسته و توانای سبک خراسانی است. کلام او نسبت به دیگر شاعران این سبک ویژگیهای خاصی دارد که او را از دیگران متمایز میکند. از صفات بارز فرخی صراحت لهجه و سادگی طبع اوست. از دیرباز صاحب‌نظران و سخن‌شناسان کلام فرخی را با صفت سهل و ممتنع توصیف کرده‌اند (حدائق السحر، وطواط: ص ۸۷). البته سخن او با وجود سادگی و سهولت خاصی که دارد «جامع همه قواعد فصاحت و بلاغت» (فرخی سیستانی، بحثی در شرح احوال، یوسفی: ص ۸۷) بوده و اشعارش بقدری ساده و طبیعی است که گویا اسلوب شعر و شیوه سخن‌سرایی را فراموش کرده و بجای آنکه شعر بگوید محاوره نموده است. اما «پس از اندک تأمل و توجه میتوان دانست که فرخی در آن ابیات شیرین و روان، نظم شعری و اسلوب نظمی را به تمام و کمال بکار برده و در اعمال قوانین بلاغت خودداری نکرده و فقط توانایی خاطر و روانی قریحه اوست که نظم را با همه دقت در صورت محاوره نمایش میدهد» (سخن و سخنوران، فروزانفر: ص ۱۲۴). اسلوب فرخی مورد توجه بسیاری از شاعران بعد از او قرار گرفته، چنانکه سعدی از جمله شاعرانی است که به اسلوب فرخی عنایت داشته و در پدید آمدن و کمال یافتن زبان غنایی او که در حد اعلای زیبایی و فصاحت است، تغزلهای فرخی تأثیر داشته است.

در این نوشتار که به شیوه توصیفی و تحلیلی انجام گرفته، به بررسی مختصات سبکی اشعار فرخی سیستانی از منظر سبک‌شناسی ساختارگرا پرداخته شده و تلاش شده است ویژگیهای دیوان فرخی در دو سطح سبک‌شناسی زبانی و ادبی بعنوان هدف اصلی مورد بررسی قرار گیرد.

ضرورت و سابقه پژوهش

برای شناخت ویژگیهای سبک شعر فارسی و آشنایی با تغییر و تحولات آن میبایست سیر تاریخی آن با استناد به شعر شاعران برجسته مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد. به عبارت بهتر مختصات سبکی هریک از شاعران صاحب-سبک، بایستی بصورت جداگانه و مفصل بررسی گردد تا از ترکیب و تلفیق آنها بتوان هرچه دقیقتر سبک شعر فارسی را در ادوار مختلف مشخص کرد. فرخی سیستانی از جمله شاعران بزرگ و صاحب‌سبک است که ضرورت دارد شعر او از این دیدگاه بررسی گردد.

قدیمترین منبعی که معلوماتی درباره فرخی سیستانی و اشعار او بدست میدهد، چهار مقاله نظامی عروضی است که تمام مطالب آن بنحوی از انحا در منابع بعدی تکرار میشود؛ از جمله در *لباب‌الالباب* محمد عوفی، *تذکره الشعراء* دولتشاه سمرقندی، *تذکره هفت اقلیم* امین احمد رازی، *آتشکده آذر* لطفعلی بیگ آذر و *مجمع‌الفصحاء* رضاقلی خان هدایت.

در دوران معاصر نیز در کتابهایی که درخصوص تحقیقات ادبی انجام گرفته بویژه تألیفاتی که درباره تاریخ ادبیات فارسی از سوی محققان ایرانی و خارجی نوشته شده است، از جمله در *تاریخ ادبی ایران* ادوارد براون، *شعر العجم* شبلی نعمانی، *سخن و سخنوران* بدیع الزمان فروزانفر و *تاریخ ادبیات فارسی* ذبیح‌الله صفا مطالبی در این خصوص

آمده است، اما جامع‌ترین تحقیقی که دربارهٔ شرح احوال و اشعار فرخی بعمل آمده کتابی است با عنوان فرخی سیستانی: بحثی در شرح احوال و روزگار و شعر او که توسط استاد غلامحسین یوسفی انجام گرفته است. این کتاب در سه بخش و ۳۷ فصل تدوین شده است که در بخش اول به شرح احوال، در بخش دوم به روزگار و در بخش سوم به شعر فرخی سیستانی از جوانب مختلف و بطور مفصل پرداخته شده است.

در برخی مقالات نیز اشعار فرخی از زوایای گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته، اما تحقیقی که بصورت مستقل به مباحث سبک‌شناسی اشعار فرخی پرداخته باشد، تاکنون صورت نگرفته است:

صحرائی (۱۳۸۵) در مقاله «ستایش و توصیف، دو جولانگاه فرخی سیستانی»^۱ از هنرنمایی و قدرت طبع فرخی در دو محور ستایش و توصیف سخن گفته و نتیجه گرفته است فرخی همهٔ امکانات شعری از جمله توصیف را در خدمت مدح و ستایش که درونمایهٔ اصلی اشعار اوست بکار گرفته است. حسینی رازانی (۱۳۹۰) در مقاله «قافیه بلاغی با تکیه بر قصاید رودکی، عنصری، فرخی و منوچهری» به بررسی جنبه‌های موسیقایی و نوآوریهای قافیه در اشعار این شاعر پرداخته و نتیجه گرفته است قافیهٔ بلاغی موسیقی شعر را تنظیم و کنترل میکند و از طرفی در آفرینش صنایع ادبی نقش مؤثری دارد. اویسی کهخا و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله «تکرار و ارزشهای بلاغی آن در شعر فرخی سیستانی» به انواع تکرار حروف و شگردهای مختلف تکرار واژه‌ها از منظر ارزش موسیقایی و بلاغی پرداخته و نتیجه گرفته‌اند انواع تکرارها به شیوه‌های مختلف، شعر فرخی را سرشار از خوشه‌های موسیقایی اصوات کرده که سبب افزایش غنای موسیقی کلام او شده و از لحاظ بلاغی نیز انواع تکرار متناسب با مضمون شعر در خدمت انتقال معنا و مفهوم شعر و گاه القای احساس شاعر بوده است. بارانی (۱۳۸۲) در مقاله «موسیقی شعر فرخی سیستانی» عمدتاً بر تحلیل اوزان عروضی اشعار فرخی تمرکز کرده و ضمن اشاره به برخی جلوه‌های تکرار در دیوان شاعر نتیجه گرفته است که پرکاربردترین وزن عروضی بحر رمل بوده و تنها دو بحر نامطبوع در میان اشعار او وجود دارد که گویا آنها را برای انجام وظیفه و رفع تکلیف سروده است. حکیم آذر (۱۳۹۰) در مقاله «ساختار تشبیه مرکب در شعر منوچهری دامغانی و فرخی سیستانی» به تحقیق و بررسی ساختارهای سه‌بیتی، دوبیتی و تک‌بیتی متضمن تشبیه مرکب در دیوان این دو شاعر پرداخته و به این نتیجه رسیده است که در دیوان فرخی سیستانی تشبیه مرکب بیشتر زمینه‌های اشرافی و سپاهی دارد و نیز دربردارندهٔ مدح ممدوح و وصف عناصر درباری است.

بحث و بررسی

ویژگیهای سبکی

سطح زبان

زبان در آثار ادبی جایگاه خاصی دارد و اهمیت آن به هیچ وجه کمتر از محتوا و مضمون نیست؛ تاآنجا که اگر آفرینندهٔ اثر ادبی معانی، افکار و تخیلات زیبا و دل‌انگیزی هم داشته باشد، ولی چنانچه نتواند آنها را با زبانی فصیح و شیوه‌ای بلیغ و به عبارت بهتر با همنشینی مرتب عناصر آوایی، زبانی، واژگانی و معنایی بیان کند، در انتقال مضامین، عواطف و احساسات خود به مخاطب توفیقی نخواهد داشت. لذا پژوهشگران معتقدند «محور همهٔ تحولات شعر به زبان و روابط اجزای آن» (ادوار شعر فارسی، شفیع‌ی کدکنی: ص ۱۹) برمیگردد. سطح زبانی دامنۀ گسترده‌ای دارد و معمولاً آن را در سه سطح آوای و لغوی و نحوی بررسی میکنند.

سطح آوایی: در این سطح معمولاً متون ادبی، از منظر شگردهای موسیقی‌آفرین از قبیل موسیقی بیرونی، کناری، درونی و صنایع بدیع لفظی از قبیل انواع جناس و تکرار و... مورد بررسی قرار می‌گیرد (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۱۵۳).

موسیقی بیرونی: انتخاب وزن مناسب کار باریک و ظریفی است که شعر را دلپذیر میکند. معمولاً وزنهای تند و ضربی برای شور و شادی و هیجان مناسب است و وزنهای سنگین و آرام برای بیان حسرت و اندوه، شکوه و آرزومندی یا تفکر و تأمل مناسبتر است. ذوق سلیم فرخی این نکات را از روی طبع مراعات کرده و کلامش در هر مضمونی موسیقی خاصی دارد (فرخی سیستانی: بحثی در شرح احوال، یوسفی: ص ۵۵۸). دیوان فرخی دارای ۸۸۸۵ بیت است که از بین آنها ۸۱۹۳ بیت در قالب قصیده و مابقی شامل سه ترجیع‌بند و تعدادی قطعه و غزل و رباعیات است. تعداد اوزانی که فرخی در دیوانش استفاده کرده چندان گسترده نیست. او در مجموع از ده وزن با زحافات گوناگون در اشعار خود بهره برده است. گذشته از رباعیات، سایر اشعار وی در بحرهای ذیل سروده شده است: بحر رمل شامل ۷۳ قصیده، ۱ ترجیع‌بند، ۷ غزل و ۱ قطعه (حدود ۳۳/۷ درصد) / بحر هزج شامل ۳۰ قصیده، ۲ ترجیع‌بند، ۴ غزل و ۱ قطعه (حدود ۱۴/۶ درصد) / بحر مجتث شامل ۴۰ قصیده، ۸ غزل و ۱ قطعه (حدود ۱۸/۷ درصد) / بحر خفیف شامل ۲۱ قصیده و ۳ غزل (حدود ۹/۵ درصد) / بحر مضارع شامل ۲۹ قصیده، ۵ غزل و ۱ قطعه (حدود ۱۳/۶ درصد) / بحر متقارب شامل ۱۱ قصیده و ۱ غزل (حدود ۵/۰۲ درصد) / بحر سریع شامل ۵ قصیده و ۱ غزل (حدود ۲/۲ درصد) / بحر رجز و بحر قریب هر کدام شامل ۱ قصیده (حدود ۰/۹ درصد).

موسیقی کناری: موسیقی کناری که عبارت از قافیه و ردیف باشد، درحقیقت مکمل و متمم موسیقی بیرونی یا همان وزن عروضی است که از جهت موسیقایی در تأثیر هرچه بیشتر کلام بر مخاطب نقش مؤثری ایفا میکند. برای قافیه و تأثیر آن در ایجاد زیبایی در شعر ۱۵ نقش برشمرده‌اند که از جمله مهمترین آنها گذشته از تأثیر موسیقایی، تناسب و قرینه‌سازی، حفظ وحدت و القاء مفهوم از راه آهنگ کلمات است (موسیقی شعر، شفیع کدکنی: ص ۶۲). نکته جالب توجه در قوافی قصاید فرخی آنست که ۶۹ قصیده از قصاید وی (از قصیده ۳۰ تا ۹۹ جمعاً شامل ۲۹۸۰ بیت) با صامت «ر» ختم میشود. بطور کلی قافیه‌های فرخی در مجموع ساده و آسان است، جز در موارد اندکی که به ضرورت مجبور به استفاده از لغات عربی دشوار و کم‌کاربرد میشود. در اشعار فرخی چهارده قصیده مردف وجود دارد که شامل شش قصیده با ردیف "است"، یک قصیده با ردیف "اوست"، یک قصیده با ردیف "باشد"، یک قصیده با ردیف "باد"، یک قصیده با ردیف "آید"، یک قصیده با ردیف "شود"، یک قصیده با ردیف "داری" و دو قصیده با ضمائر "تو" و "او" است.

تعداد کل ابیات	قافیه ردیفی	قافیه فعلی	قافیه غیرفعلی
۸۸۸۵	۷۶۶	۴۶۷	۷۶۵۲

موسیقی درونی: در این بخش معمولاً درباره مواردی از قبیل صنایع و آرایه‌های بدیع لفظی، الف اطلاق، تشدید مخفف، تخفیف مشدد، تلفظ کهن کلمات، کاهش و افزایش، ادغام و قلب که به نوعی در ایجاد موسیقی بیشتر در کلام نقش‌آفرینی میکنند بحث میشود.

تشدید مخفف

بهار اگر نه ز یک مادرست با تو چرا / چو روی تست به خوشی و رنگ و بوی و نگار (ص ۶۰)
افزایش واج

بهمن آن‌گه روستم را چند گه شاگرد شد / که خصالش بی خلل گشت و فعالش منتخب (ص ۸۷)
 موارد دیگر: اسپهسالار (ص ۱۴۵) / فریشته (ص ۱۲۸) / ایا (ص ۵۲) / آشناور (ص ۵۵) / شنه (ص ۲۵۵) / برناه،
 سرماه (ص ۳۶۱)

کاهش واج

زیر هر کاخی گرد آمده مردم گُرهی / دستشان زر سپار و پایشان سیم سپر (ص ۱۳۱)
 موارد دیگر: ستغفار (ص ۱۴۵) / انده (ص ۱۷۳) / بریشم (ص ۱۷۱) / میر (ص ۱۲۹) / نکو (ص ۱۳۰) / فزاینده (ص ۵۵) / ستبرق (ص ۱۳) / خشنودی (ص ۱۰) / شکفه (ص ۱۰) / گیا (ص ۳).

اماله

سلیح و لشکر و پیلش جدا کرد / غرضها بود سلطان را در این کار (ص ۱۴۵)
 تجنیس: جناس یکی از زیباترین آرایه‌های لفظی است که موجب افزونی موسیقی کلام شده و آن را دلنشینتر
 میسازد. انواع جناس کاربرد فراوانی در شعر فرخی دارد. چنانکه شاعر جمعاً ۱۴۸۶ بار از جناسهای مختلف در
 سخن خویش بهره گرفته است. جناسهای فرخی بترتیب عبارتند از: جناس لاحق با ۴۶۰ مورد (۳۰/۹ درصد) /
 جناس زاید با ۴۱۰ مورد (۲۷/۵ درصد) / جناس اشتقاق با ۲۳۳ مورد (۱۵/۶ درصد) / جناس مطرف با ۱۴۱ مورد
 (۹/۴ درصد) / جناس خط با ۸۳ مورد (۵/۵ درصد) / جناس تام با ۵۳ مورد (۵/۵ درصد) / جناس شبه اشتقاق با ۴۲
 مورد (۲/۸ درصد) / جناس ناقص با ۳۸ مورد (۲/۵ درصد) / جناس مضارع با ۲۴ مورد (۱/۶ درصد) / جناس لفظ با
 ۳ مورد (۰/۲ درصد).

جناس تام:

ز دل برداشت خواهم بار اندوه / چو نزد میر میران یافتم بار (ص ۱۶۱)
 اکنون جهان چنان شود از عدل و داد او / که آهوبره مکد مثل از ماده شیر شیر (ص ۱۹۰)
 موارد دیگر: نوا - نوا (ص ۳) / هوا - هوا (۲۴) / جهان - جهان (ص ۳۲) / داد - داد (ص ۳۷) / بار - بار (ص ۸۰) / محمود -
 محمود، مسعود - مسعود (ص ۱۴۴) / دیدار - دیدار (ص ۹۱) / چنگ - چنگ (ص ۱۹۰) / گرد - گرد (ص ۲۰۴) / چین -
 چین (ص ۲۷۰) / تیغ - تیغ (ص ۳۳۰) / بر - بر (ص ۴۰۲).

جناس لفظ:

آه و دردا و دریغا که چو محمود ملک / همچو هر خاری در زیرزمین ریزد خوار (ص ۱۹۱)
 جناس لاحق:

گهی ز جیحون لشکر کشد سوی سیحون / گهی سپه برد از باختر سوی خاور (ص ۶۶)
 بوقت آنکه همه خلق گرم خواب شوند / تو در شتاب سفر بوده‌ای و رنج سهر (ص ۷۳)
 موارد دیگر: مل - گل (ص ۱۷۵) / قیر - شیر (ص ۱۹) / کتان - کمان (ص ۲۷۸) / جهان - جوان (ص ۴۱۴) / مکین -
 متین (ص ۳۷۲) / روی - موی (ص ۴) / تیر - شیر (۷۷) / گنج - رنج (ص ۱۱۷) / بار - پار (ص ۱۵۶) / بسته - رسته (۲۰۶).
 جناس مضارع:

ز شاهان هر که با تو دوستی پیوست و یکدل شد / به چاه تو مخالف را به چاه انداخت از ایوان (ص ۲۵۵)
 شهریاران را بینی بدر خانه او / در شرف پیشتر و بیشتر از تخت و کلاه (ص ۳۵۱)
 موارد دیگر: علمی - حلمی (ص ۳۸۷) / گاه - کاه (ص ۳۴۵) / جنگ - چنگ (ص ۲۰۴) / زمانی - زبانی (ص ۳۶۷) / پود -
 بود (ص ۵۷) / بیشتر - پیشتر (۲۴۲) / چاه - چاه (ص ۳۵۵) / زبان - زمان (ص ۳۰۲) / بیش - پیشی (ص ۴۲۱).

جناس مطرف:

از کف او چنان هراسد بخل / که تن آسان تندرست از تب (ص ۱۳)
 برو بفرخی و فال نیک و طالع سعد / به تیغ تیز ز دشمن برآر زود دمار (ص ۶۵)
 موارد دیگر: باغ-بار (ص ۱۰۷) / نام-نان (ص ۳۲۹) / یار-یاد (ص ۱۰۳) / پیل-پیش (ص ۱۷۵) / کار-کام (ص ۳۲۰) /
 حزم-عزم (ص ۸) / سر-پسر (ص ۳۹) / بار-بال (ص ۳۸۸) / روز-نوروز (۱۷۳) / بر-خبر (ص ۳۹).
 جناس خط (مصطف):

ای ترک همی باز شود دل بسر کار / آن خو یله کرده است که ورزیده همی پار (ص ۱۵۶)
 ناز از تو سزد بر من مسکین که تو ایدون / با طره مشکین و خط غالیه باری (ص ۴۴۳)
 موارد دیگر: ستم-سیم (ص ۲۴۰) / چین-ختن (ص ۳۱۸) / جام-خام (ص ۲۲۲) / چون-خون (ص ۲۳۷) / اشتر-استر
 (ص ۷۲) / خوی-جوی (ص ۹۳) / زیر-زبر (ص ۱۰۱) / یار-بار (ص ۱۰۳) / رنگ-زنگ (ص ۲۱۰).
 جناس ناقص

قوام دین پیغمبر ملک محمود دین پرور / ملک فعل و ملک سیرت ملک سهم و ملک سیما (ص ۱)
 موارد دیگر: گل-گیل (ص ۲۶۸) / گرد-گرد (ص ۲۱۸) / کُشد-کِشد (ص ۲۶۶) / عدن-عَدَن (ص ۳۱۲) / سراس-
 سُرای (ص ۳۸۵) / گرد-گرد (ص ۴۱۱).
 جناس اشتقاق:

زمانه امر ترا خادمیست از خدام / فلک سرای ترا حاجیست از حجاب (ص ۱۲)
 هر جایگه که رفتی باز آمدی مظفر / چون با ظفر شریکی لاشک مظفر آیی (ص ۳۶۳)
 موارد دیگر: عطر-عطار (ص ۱۶۶) / مبتلا-بلا و ممتحن-محن (ص ۳۱۶) / قدر-مقدار و ادب-ادیب (ص ۹۳) / جود-
 جواد و حلم-حلیم (ص ۲۴۴) / وزن-موزون (ص ۲۸۹) / حسود-حسد (ص ۳۲۲) / ملک-ملوک (ص ۱۶) / عاشق-
 عشق (ص ۳۹) / مادح-مدح (ص ۴۰) / سفر-مسافر (ص ۶۸) / شرک-مشرک (ص ۸۴) / عطر-عطار (ص ۸۸) / شاعر-
 شعر (ص ۱۷۹).
 جناس شبه اشتقاق:

هر سپاهی را که چون محمود باشد شهریار / یمن باشد بر یمین و یسر باشد بر یسار (ص ۵۵)
 موارد دیگر: قلم-اقلیم (ص ۱۵۹) / سمن-سمین (ص ۳۰۷) / ثریا-ثری (ص ۳۸۰) / زمین-زمان (ص ۳۳۳) / خوش-
 خویش (ص ۳۰۶) / روز-راز (ص ۲۸۴) / سپار-سپر (ص ۱۳۱) / قلم-اقلیم (ص ۱۵۹) / ساده-سوده (ص ۱۷۵) / زمان-
 زمین (ص ۲۹۳) / چمان-چمن (ص ۳۰۸).
 جناس زاید:

میل شاهان به شرابست و به رود و به سرود / میل او باز به علم و به کتاب و اخبار (ص ۹۹)
 شب دراز همی خورد می غمان دراز / به روز راز همی کردمی ز خلق نهان (ص ۲۸۴)
 موارد دیگر: فکنده-کنده (ص ۳۴) / شکار-کار (ص ۷۹) / شیر-شمشیر (ص ۲۳۵) / سرخ-رخ (ص ۱۰) / دیده-دریده
 (ص ۶۱) / جان-جهان (ص ۱۳۵) / جوان-جان (ص ۲۸۳) / کین-کمین (ص ۴۰۸) / پند-پسند (ص ۴۴۵) / پیل-پیلتن
 (ص ۱۵۲) / گلبن-گل (ص ۱۶۷) / خار-خار (ص ۱۶۷) / باد-باده (ص ۲۲۷) / خار-خارا (ص ۴۳۰).
 ترصیع

از جمله آرایه‌هایی که موسیقی شعر را برجسته‌تر میکند، ترصیع و موازنه است؛ زیرا تکرار قرینه‌های متقابل در دو مصراع بیت، هماهنگی و گوشنوازی خاصی ایجاد میکند که در کنار موسیقی درونی و کناری، آوامندی شعر را به اوج میرساند.

یمین دولت و دولت بدو آراسته گیتی / امین ملت و ملت بدو پیراسته دنیا (ص ۱)

بسیار، پیش همت تو اندک / دشوار، پیش قدرت تو آسان (ص ۲۸۱)

همی نمایی عدل و امانت و انصاف / همی فزایی فضل و سخاوت و احسان (ص ۳۲۹)

موازنه

هنرش را به حقیقت نتوان یافت کران / سخنش را به تکلف نتوان داد جواب (ص ۱۵)

خاک را چون ناف آهو مشک زاید بی قیاس / بید را چون پر طوطی برگ روید بی شمار (ص ۱۷۵)

ازدواج

جز تو در سیحون و جیحون از همه شاهان که داد / مرغ و ماهی را طعام از طعنه رمح طویل (ص ۲۲۲)

تا به فروردين گردد چو رخ و چون خط دوست / باغ و راغ از گل نورسته و از سبز گیاه (ص ۳۵۲)

قلب

آتشی کرده‌ست خواجه کز فراوان معجزات / هر زمان گیرد نهادی، هر زمان دیگر شود (ص ۴۸)

پاینده باش تا به مراد و به کام / از دشمنان خویش برآری دمار (ص ۹۸)

سایر موارد: طرب-بطر (ص ۱۸۱) / پسر- سپر (ص ۳۷۸) / ابر-بار (ص ۱۰۷) / مکان-کرمان (ص ۲۰۲).

جناس مکرر

زهی مظفر پیروز بخت روزافزون / زهی موحّد پاکیزه دین یزدان دان (ص ۲۵۰)

چون برکشیده تیغ تو پیدا شود زدور / از هر تنی شود سوی گردون روان روان (ص ۳۳۰)

سایر موارد: زار-نزار (ص ۱۵۹) / شیر-شیر (ص ۱۹۰) / بصیر-بصیر (ص ۱۳۴).

تکرار

شعر فرخی جلوه‌گاه تکرار انواع صامت‌ها، مصوت‌ها، واژه‌ها و عبارت‌ها به شیوه‌ها و صور مختلف است؛ بگونه‌ای که میتوان براحتی در هر صفحه‌ای از دیوانش نمونه‌های متعددی از انواع تکرار را در سطوح مختلف مشاهده کرد (تکرار و ارزشهای بلاغی آن در شعر فرخی سیستانی، اویسی کهخا، عباسی و اتحادی: ص ۶۸).

تکرار واج یا واج‌آرایی: تکرار واج هرچند منظم نباشد، در کلام عاطفی و ادبی زیباست. به شرط آنکه فاصله میان حروف بگونه‌ای باشد که ذهن تکرار را دریابد. البته حروف سایشی (س، ش، ز، ژ و...) محسوس‌تر از حروف انسدادی (ب، پ، ت، ک و...) است. از طرفی آهنگ بعضی از حروف خوشتر از برخی دیگر است. مثلاً مصوت‌های بلند کاملاً موسیقایی و خوش‌آهنگ هستند و بعد مصوت‌های کوتاه. از میان صامت‌ها نیز صامت‌های ژ، چ، ز، ف، گوشنوازتر هستند (بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی، وحیدیان کامیار: ص ۲۸).

هم‌حروفی

شه لشکرشکن محمود کشورگیر کز بیمش / رخ اعدای دین دایم به رنگ زعفران باشد (ص ۳۰)

با این‌همه درد دل و اندوه چه بودی / گر دور نبودی ز من آن لعبت فرخار (ص ۱۱۱)

باز چون بلبل بیجفت به بانگ آمد زیر / باز چون عاشق بیدل به خروش آمد بم (ص ۲۴۵)

هم‌آوایی

تا دل تازه‌جوانان به جهان شاد بود / شاد بادی ز جوانی و جهان برخوردار (ص ۱۰۰)
مردی همی نمایی گیتی همی گشایی / بدعت همی زدایی طاعت همی فزایی (ص ۳۶۲)
باغ ای باغبان ما را همی بوی بهار آید / کلید باغ ما را ده که فردامان بکار آید (ص ۴۰۳)
تکرار هجا

بیشه‌ها بی شیر کردی دشته‌ها بی اژدها / قلعه‌ها بی مرد کردی شهرها بی شهریار (ص ۸۷)
تکرار واژه: تکرار واژه از جمله مواردی است که در افزایش موسیقی درونی کلام تأثیر بسزایی دارد. «مکرر بگوش رسانیدن یک کلمه خوش‌طنین در طول یک مصراع یا یک بیت و یا یک قطعه شعر عاملی است که کمک میکند عنصر موسیقی در یک قطعه شعر احساس گردد» (پیوند موسیقی و شعر، ملاح: ص ۸۱). انواع تکرار در سطح واژه بوفور در اشعار سخن‌گستر سیستانی قابل ملاحظه است تا بدانجا که در ۱۳/۶ درصد از اشعار وی به نوعی تکرار واژه قابل ملاحظه است.

قوم را گفتم چونید شمایان به نبید / همه گفتند صوابست صوابست صواب (ص ۱۵)
بردباری بردباری، مهربانی مهربان / حق‌شناسی حق‌شناسی، حق‌گزاری حق‌گزار (ص ۷۶)
تکرار عبارت یا جمله

شادمانه به تو آنکس که ترا دارد دوست / شادمانه به تو آنکس که ترا باشد یار (ص ۸۰)
گاه گفתי بیا و رود بزن / گاه گفתי بیا و شعر بخوان (ص ۲۶۷)
دریغا تو کز پیش رویم جدایی / دریغا تو کز پیش چشمم نهانی (ص ۳۶۹)
ردّ العجز الی الصدر

سفر از دوست جدا کرد مرا / گم شود از دو جهان نام سفر (ص ۱۳۸)
جهان را به شمشیر هندی گرفت / به شمشیر باید گرفتن جهان (ص ۲۴۹)
ردّ الصدر الی العجز

از خانه به بازار همی گشتم یک روز / ناگاه فتادم به یکی کلبه عطار
عطار به کلبه در، با عود همی گفت / کاصل تو چه چیزست و چه چیزی ز بن و بار (ص ۱۱۳)
بلخ شنیدم که بوستان بهشت است / کز همه گیتی در او گرفتی مسکن
مسکن تو گر بهشت باشد نشگفت / زانکه ملک را بهشت باشد معدن (ص ۲۷۱)
ردّ الصدر الی الإبتداء:

هنوز خاقان در خدمتش نبسته کمر / هنوز قیصر بر درگهش نکرده نثار (ص ۱۰۴)
ردّ الصدر الی العروض:

بهار تازه دمید ای به روی رشک بهار / بیا و روز مرا خوش کن و نبید بیار (ص ۶۰)
ردّ العروض الی العجز:

امید خلق غواصست و دست راد او دریا / به کام خویش برگیرد گهر غواص از دریا (ص ۲)
ردّ الإبتداء الی العجز:

به کردار و به آیین و به خواهی ستوده / جمالی‌ست جهان را و که داند چه جمالی (ص ۳۹۸)

سطح لغوی یا سبک‌شناسی واژه‌ها

در این سطح عموماً لغات عربی و کهن فارسی و هرگونه کلمه‌ای که نشانه‌های کهنگرایی در آن باشد، مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد. عمده لغات عربی در دیوان فرخی ناشی از ضرورت قافیه است که در کلام شاعر راه یافته است. واژگان و افعال کهن فارسی نیز از مختصات سبک خراسانی است که گاهگاهی در میان اشعار فرخی ملاحظه می‌شود.

کلمات عربی: از قرون اولیه اسلامی تا قرن پنجم عمدتاً لغاتی که معادل فارسی نداشته و برخی مترادفات که در نگارش بکار می‌آمده یا به درد قوافی شعر می‌خورده یا لغات کوتاه و فصیح عربی بوده، داخل ادبیات فارسی شده است (سبک‌شناسی، بهار، ج ۱: ص ۲۵۹) بسامد کلمات عربی که در کلام فرخی بکار رفته در مقایسه با تعداد ابیات و حجم اشعار وی چندان چشمگیر نیست. «در شعر فرخی معدودی الفاظ تازی که در قصیده آمده چنان در ترکیب و تألیف آنها هنری بکار رفته که کلام از سطح عادیات بسی بالاتر و فاخرتر است» (چشمه روشن، یوسفی: ص ۵۹-۵۸).

آب هم‌رنگ صندل سوده‌ست / خاک هم‌بوی عنبر اشهب

هر گلی را به شاخ گلبن بر / ز ندبافیت با هزار شغب

خواسته بدهد و نخواهد شکر / این صواب است و آن دگر اصب (ص ۱۳)

سایر موارد: آجام (ص ۲۲۳) / آمال (ص ۲۱۸) / اجم (ص ۲۲۶، ۲۳۰) / احب (ص ۱۴) / اخلاء (ص ۲۲۰) / ازهر (ص ۷۳) / اشهب (ص ۹، ۱۸) / اطبیب (ص ۱۵، ۱۸) / انحدار (ص ۹۷) / جباه (ص ۳۴۳، ۳۶۰) / جلاجل (ص ۱۹۷) / زبب (ص ۹) / سغب (ص ۶) / سقیم (ص ۲۲۴) / ضریر (ص ۱۵۹) / طیار (ص ۱۵۹) / غیل (ص ۲۲۱) / ظل ظلیل (ص ۲۲۲) / حصن حصین (ص ۲۸۸) / کفاه (ص ۱۵۵) / کیال (ص ۲۱۹) / مشجب (ص ۱۳) / یسر (ص ۹۹) / هرب (ص ۶، ۱۷) / نهمت (ص ۱۱۷، ۳۵۳) / عطن (ص ۳۱۶) / یلب (ص ۱۷) / تراویح (ص ۱۷۳) / کجیل (ص ۲۲۲) / رمح طویل (ص ۲۲۲) / ذل و هوان (ص ۳۰۳) / مجن (ص ۳۱۱).

افعال، عبارات و جملات عربی:

از کریمی که تویی هر که حدیث تو شنید / نتواند که نکوید احسن الله جزاه (ص ۳۵۲)

سایر موارد: ارجو (ص ۱۱۶، ۱۶۵، ۱۷۲) / لن ترانی (ص ۳۷۰) / علی القله (ص ۳۵۰) / محول الاحوال و مسبب الاسباب (ص ۱۲) / معاذالله (ص ۳۵۰) / لا والله (ص ۳۵۲) / عبده و فداه (ص ۳۵۳) / اقترب (ص ۶) / قد وجب (ص ۵) / تبارک الله (ص ۵۲) / شکر لله (ص ۱۵) / الله اکبر (ص ۸۵) / ما حرم الله (ص ۱۷۰)

کهن‌گرایی واژگانی:

ز آب دریا گفתי همی به گوش آمد / که شهریارا دریا تویی و من فرغر (ص ۷۴)

آخال (ص ۲۱۸) / آدرنگ (ص ۴۲۲) / آخته (ص ۱۴۹) / آژنگ (ص ۲۰۵، ۲۰۸) / آشناور (ص ۵۵) / آشکوخیدن (ص ۴۵۲) / آغالییدن (ص ۲۰۹) / آندون (ص ۲۸۹) / ارغنده (ص ۲۱۴) / اسپرغم (ص ۵۴) / اندربای (ص ۳۷۲، ۳۸۵) / اوبار (ص ۶۳) / بادخن (ص ۳۰۹) / بگماز (ص ۲۰۲) / بهمنجه (ص ۳۵۴) / پاداشن (ص ۲۳۸، ۳۵۶) / پخسان (ص ۲۶۹) / پرگست (ص ۱۶۶) / حمدونه (ص ۱۸۳) / خنیده (ص ۷۴) / داه (ص ۳۴۹) / ریدک (ص ۳۷۵) / سوفار (ص ۱۶۲) / شولک (ص ۸۴) / فرناد (ص ۳۴۹) / کردر (ص ۶۷) / میزد (ص ۲۶۹) / نوز (ص ۱۱۰، ۲۸۹) / هگرز (ص ۲۴۳) / یزدان گرگر (ص ۸۴) / مزکت (ص ۳۸۸) / کرگ (ص ۱۴) / فنگ (ص ۲۱۰) / پالاهنگ (ص ۲۰۵) / پریشیدن (ص ۱۷۴).

افعال کهن

گر تو خواهیش و گر نه به تو اندر بشلد / زر او چون به در خانه او برگذری (ص ۳۹۹)
در بیشه بگوش تو غرنبیدن شیران / خوشتر بود از رود خوش و نغمه قوال (ص ۲۱۸)
موارد دیگر: پریشیدن (ص ۴۴۶) / توفیدن (ص ۱۵) / چخیدن (ص ۳۶۶) / خاییدن (۴۳۴) / ژاژ دراییدن (ص ۳۲۷) /
سنبیدن (ص ۲۸۸) / شخودن (ص ۴۳۷) / شکردن (ص ۲۰۸) / شکهیدن (ص ۲۵۸) / طرازیدن (ص ۱۳۶) / کفیدن
(ص ۲۸۹) / گزاییدن (ص ۳۶۱) / گزاییدن (ص ۳۸۹) / میزیدن (ص ۴۲۴) / نیوشیدن (ص ۳۶۱) / سختن (ص ۱۴۴) /
طرازیدن (ص ۱۷۲) / الفغدن (ص ۳۱۹) / سگالیدن (ص ۲۱۸) / نویدن (ص ۴۰۱).

ترکیب‌سازی

شعرا و آفرینشگران ادبی با خلاقیت و نوآوریهای خود معمولاً بیشترین سهم را در تقویت و گسترش زبان به طرق
مختلف بخصوص از راه ایجاد ترکیبات نو و بدیع ایفا میکنند و از همین روست که یکی از زبان‌شناسان، مرگ زبانها
را در رکود و سترونی شعر آنها میداند و میگوید: «هر زبانی آنگاه میمیرد که آخرین شاعرش مرده باشد» (مقالات
ادبی و زبان‌شناسی، حق‌شناس: ص ۱۳۹).

دلفروشان جهان را بازار کجاست / تا دلی یابم از یشان چو دل خویش مگر (ص ۱۰۵)
بت‌آرا (ص ۶۹) / تازی‌زاد (ص ۳۵) / ترکشگر (ص ۱۵۰) / چرمگر (ص ۴۴۵) / حقور = صاحب حق (ص ۱۹۰) /
بازوخای (ص ۳۸۹) / طرایفگر (ص ۴۹) / قیمتگر (ص ۲۹۷) / گرگ‌آشتی (ص ۴۲۰) / لعبگر (ص ۱۳) / طلسم‌آگین
(۳۲۵) / مؤمن‌فزا و کافراکاه (ص ۳۴۳) / کج‌فرمای (۳۸۸) / کوه‌پناه (ص ۷۱) / پوزشگر (ص ۷۱) / فریشته‌فر (ص
۶۹) / هرزه‌لا (ص ۴۵۳) / روی‌آژنگ (ص ۲۰۸).

سطح نحوی: در این سطح، جمله از نظر محور همنشینی، کاربردهای کهن دستوری از قبیل آوردن انواع یاء،
آوردن دو حرف اضافه در پس و پیش متمم، مفعول و علامت آن، صرفه‌جویی در آوردن «را»، وجوه کهن ماضی
استمراری، افعال پیشوندی، صرف افعال کهن و... بررسی میگردد.

یاء شرطی: گر آنجا در شوی آگاه گردی / مرا گردی بدین گفتار یاور (ص ۱۸۲)

دو حرف اضافه برای یک متمم:

راست گفتی به باد بر، جم بود / گر بود باد را ستام به زر (ص ۱۲۵)

صرفه‌جویی در آوردن «را»:

سامان خویش گم نکند هرگز / آن کس که یافت از کف تو سامان (ص ۲۸۲)

فعل امر بدون «ب»:

دلیر باش و به بازوی او شجاعت کن / بلند باش و به شمشیر او جهان پیرای (ص ۳۷۲)

وجوه کهن استمراری:

همیشه گفتمی اندر جهان به حسن و جمال / چو یار من نبود و ین حدیث بود محال (ص ۲۱۵)

افعال پیشوندی:

به عون دولت او آرزوی خویش بیاب / به جاه خدمت او سر به آسمان برسای (ص ۳۸۵)

صرف افعال کهن:

همه سکالد کز نام تو بلند کند / جمال و زینت دینار و رتبت منبر (ص ۱۱۸)

سطح ادبی

در این سطح به شگردهای زبان ادبی که موجب خلاقیت ادبی و انحرافهای هنری میشود از قبیل مسائلی نظیر تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز و آرایه‌های بدیع معنوی پرداخته میشود.

تشبیه: فرخی هم از نظر تنوع حوزه خیالهای شاعرانه و هم از نظر لطافت تصاویر شعری، شاعری است برجسته و ممتاز (صور خیال در شعر فارسی، شفیع کدکنی: ص ۴۸۶) و حوزه عمومی صور خیال او را عمدتاً تشبیه تشکیل میدهد (همان: ص ۴۸۹). یکی از ارکان اساسی شعر فرخی استفاده از تشبیهات در اشعار و قصاید است. این تشبیهات مانند بسیاری از شعرای همعصر او تشبیهاتی محسوس، ساده، طبیعی و قریب به ذهن است و عمده مواد آن از دنیای پیرامون شاعر و بخصوص طبیعت گرفته شده است.

سرو را ماند آورده گل سوری بار / بینی آن سرو که خندان گل سوری بر اوست (ص ۲۸)
فرخی در همه زمینه‌های شعری خود اعم از تغزلات، مدح، وصف طبیعت و توصیف میادین جنگ تشبیهات زیبا و دلنشینی بکار برده و البته در تمام موارد هماهنگی و تناسب موضوع را مراعات کرده است.

زلف تو مشک سیاه و جعد تو شمشاد تر / قد تو سرو بلند و روی تو ماه تمام (ص ۲۳۶)
تیغها چون ارغوان و رویها چون شنبلیله / آن ز خون خلق و این از بیم تاراج و نهب (ص ۶)
تشبیهات فرخی پر از لطافت و تازگی است؛ بگونه‌ای که بسیاری از آنها پس از گذشت هزار سال هنوز طراوت و درخشندگی خود را حفظ کرده است و این دلیلی روشن بر سلامت ذوق و قوه خیال و باروری اندیشه اوست. «فرخی سیستانی در زمانی که دماسنج نبوده، برای وصف شدت سرمای زمستان از تشبیه بهره گرفته و گفته هوا چنان سرد است که اگر آب را به هوا پاشی مانند تکه‌های بلور یخ مینندد:

چون بلور شکسته بسته شود / گر براندازی آب را به هوا» (بلاغت تصویر، فتوحی: ص ۹۱-۹۲)
در تخیل فرخی خدنگ ممدوح مانند پیک تیزرو است (ص ۳۱)، روی نیکوان مانند آفتاب روشن (ص ۳۸۴) ماه دوهفته مانند آیینۀ چینی (ص ۳)، سخاوت خواجه مانند بهار زندگی‌بخش (ص ۱۶۳)، لاله‌ای که در سبزه‌زار روییده مانند عقیقی که در پیروزه نشانده باشند (ص ۸۲) آتش افروخته مانند لعبت زیبایی که دیبای سرخ بر تن کرده باشد (ص ۴۸)، برگهای رزان در فصل خزان مانند رخسار عاشقان (ص ۲۷۵) و معشوق بسان صیادی است که زلف چون دام خود را بر دو رخ خویش گسترده باشد (ص ۲۳۶)

قدرت شگرف فرخی در خلق تصاویر خیال‌انگیز و بدیع و آوردن مشبهه‌های متعدد برای یک مشبه در ابیات زیر بوضوح قابل مشاهده است:

تو یار غمگساری تو حور دلربایی
نیکوتر از هوایی و ندر سرم هوایی
چا بکتر از تذروی فرختر از همایی
در سر بجای هوشی در چشم روشنایی
هم ماه با کلاهی هم سرو با قبایی
سروی به قد ولیکن سرو سخنسرای
(ص ۳۶۱)

تو سرو جو یباری تو لاله بهاری
شیرینتر از امیدی و ندر دلم امیدی
خرمتر از بهاری زیبا تر از نگاری
در دل بجای عقلی در تن بجای جانی
سرو و مهت نخوانم چرا نخوانم
ماهی به روی لیکن ماه سخن‌نیوشی

فرخی انواع و اقسام تشبیهات را به اعتبارات گوناگون در سخن خود بکار گرفته و بوفور از آنها در خلق تصاویر شعری استفاده برده است. بیشترین تشبیهات وی از نوع حسی به حسی، مقید به مقید و تشبیهات مجمل و مرسل می‌باشد.

انواع تشبیه به اعتبار حسی یا عقلی بودن طرفین

از این منظر در دیوان فرخی، تشبیهات حسی به حسی با ۲۶۸ مورد و ۸۴/۵ درصد بیشترین کاربرد را داشته و پس از آن تشبیهات عقلی به حسی با ۳۷ مورد و ۱۱/۶ درصد در مرتبه دوم قرار داشته و در نهایت تشبیهات حسی به عقلی با ۱۲ مورد و ۳/۷ درصد کمترین مورد استفاده را داشته است.

حسی به حسی:

در سفر بودی و تا بودی و در کار سفر / تن چون کوه تو از رنج سفر گشته نزار (ص ۹۲)
موارد دیگر: باده به گلاب (ص ۲۰۱) / سمن به برگ نسترن (ص ۲۹۷) / بر دلبران به مرمر، لب نیکوان به مرجان (ص ۲۷۵) / جهان به عروس (ص ۴۱) / لشکر به دریای دمان (ص ۱۵۱) / آب به آینه (ص ۲۱۰) / زمین به پر طاووس (ص ۲۸۰) / رخسار به گل نار (ص ۱۱۲) / رخ به لاله (ص ۹۲) / صنوبر به بالای معشوق (ص ۸۵) / مجلس به باغ پرشکوفه (ص ۱۰) / روی سپید و پاک به تابنده‌روز (ص ۴) / باغها به روی بتان (ص ۱۳۵) / شاخ گل به گوش نیکوان پرگوشوار (ص ۱۰۷) / گلهای انار به شعله‌های آذر (ص ۹۵).

حسی به عقلی:

تا چو باغ از برگریزان چون تن بیدل شود / آسمان از ابر تیره چون دل غمگین شود (ص ۴۳۲)
موارد دیگر: ابر به رای عاشقان و طبع بیدلان (ص ۱) / او به یقین (ص ۱۳۲) / باغ به خوی، کاخ به رای (ص ۱۶۷) / او به روان (ص ۳۶۸) / کاخ به بخت و عزم (ص ۱۲۹).

عقلی به حسی:

ای عرض تو بر چشم تو چون دیده گرامی / ای مال تو بر چشم تو چون دشمن تو خار (ص ۱۱۳)
موارد دیگر: امید به غواص (ص ۲) / رای به حصار (ص ۹۶) / سیرت به شکر (ص ۱۸۷) / وهم به آهن (ص ۳۰۷) / مهر و کین به دربان (ص ۲۰۱) / عزم به بازوی گردان (ص ۴۰۰).

انواع تشبیه به اعتبار مفرد یا مقید و یا مرکب بودن طرفین

از این دیدگاه در اشعار فرخی تشبیهات مقید به مقید با ۷۶ مورد فراوانی و ۲۵/۸ درصد بیشترین سهم کاربرد را داشته و سایر انواع را بترتیب: مفرد به مقید با ۶۹ مورد و ۲۳/۴ درصد، مقید به مفرد با ۶۵ مورد و ۲۲/۱ درصد، مفرد به مفرد با ۵۲ مورد و ۱۷/۶ درصد و مرکب به مرکب با ۳۲ مورد و ۱۰/۸ درصد تشکیل می‌دهند.

مفرد به مفرد: باغ بتخانه گشت و گلبن بت / باده‌خواران گل‌پرست شمن (ص ۳۰۷)

مفرد به مقید: تو سرو جویباری تو لاله بهاری / تو یار غمگساری تو حور دلربایی (ص ۳۶۱)

مقید به مفرد: یک دست تو ابرست و دگر دست تو دریا / هرگز نتوانی که نبخشی و نباری (ص ۳۷۶)

مقید به مقید: زلف تو مشک سیاه و جعد تو شمشاد تر / قد تو سرو بلند و روی تو ماه تمام (ص ۲۳۶)

مرکب به مرکب: قطره باران چکیده در دهان سرخ گل / در عقیقین جام گویی لولوء بیضاستی (ص ۴۲۹)

تشبیه به اعتبار وجه شبه

بیشترین تشبیهات به اعتبار وجه شبه را بترتیب فراوانی، تشبیه مجمل با ۱۵۴ مورد و ۴۷/۵ درصد، تشبیه مفصل با ۱۳۹ مورد و ۴۲/۹ درصد و تشبیه تمثیل با ۴۹ مورد و ۱۵/۱ درصد کاربرد تشکیل می‌دهد.

تشبیه تمثیل: به سبزه درون لاله نوشکفته / عقیق است گویی به پیروزه اندر (ص ۸۲)

تشبیه مفصل: صلصل چو بیدلان جهان گشته باخروش / بلبل چو عاشقانت غمین گشته با فغان (ص ۳۳۱)

تشبیه مجمل: شاعران را ملکان خواسته آنگاه دهند / که بدیشان بطرازند مدیحی چو درر (ص ۱۳۶)

انواع تشبیه به اعتبار ابزار تشبیه

پرکاربردترین نوع تشبیه به اعتبار ابزار تشبیه را تشبیه مرسل با فراوانی ۳۱۵ مورد و ۸۴/۲ درصد و تشبیه بلیغ با ۵۶ مورد و ۱۴/۹ درصد و در آخر تشبیه مؤکد با ۳ مورد و ۰/۸ درصد تشکیل میدهد.

تشبیه مرسل: آسمان چون سبز دریا، و اختران بر روی او / همچو کشتیه‌های سیمین بر سر دریا روان (ص ۳۳۴)

تشبیه مؤکد: نکو رای تو آفتابیست روشن / کزو نور گسترد بر هر مکانی (ص ۳۸۴)

تشبیه بلیغ: رایش به وقت حزم حصار قویست / تیغش به روز رزم کلید حصار (ص ۹۶)

تشبیه خیالی: زرین درخت (ص ۱۴۸) / کشتیه‌های سیمین (ص ۳۳۴) / سرو زرین، بسدین پیرهن (ص ۳۱۵).

اضافه تشبیهی: دریای بخشش (ص ۳۵۶) / تیر مژگان (ص ۲۰۵) / باد سخاوت (ص ۱۸) / آینه رادی (ص ۲۱) / گوی سعاد و گوی مملکت (ص ۳۷۲) / آتش عشق (ص ۳۰۷) / پرده شب (ص ۸) / بار ملامت (ص ۱۸۳) / آتش آرزو و آتش آز (ص ۲۰۲) / آینه بزرگی (ص ۲۱۰).

تشبیه مشروط: ماهی گر ماه درقه دارد و شمشیر / سروی گر سرو درع پوشد و جوشن (ص ۲۶۹)

تشبیه تفضیل: بجز دریا نخواند کس کف گوهرفشانش را / اگر نز بهر آن بودی که دریا را کران باشد (ص ۳۰)

استعاره: استعاره از جمله بهترین و موثرترین شگردهای زبانی و تصویرآفرینی در کلام محسوب میشود تا آنجا که سبک‌شناسان آن را «یکی از مهمترین صورتهای مجازی میدانند و گاه آن را بتنهایی بمنزله یک سبک مقوله‌بندی میکنند» (سبک‌شناسی، فتوحی: ص ۳۲۴) فرخی سیستانی در حوزه تصاویر شعری پس از تشبیه بیشترین استفاده را از انواع استعاره در کلام خود بعمل آورده است. استعارات فرخی بترتیب فراوانی و کاربرد به قرار ذیل میباشد: استعاره مصرحه با ۱۸۳ مورد (۲۸/۱ درصد)، استعاره مطلقه با ۱۶۹ مورد (۲۵/۹ درصد)، استعاره مکنیه با ۱۳۹ مورد (۲۱/۳ درصد)، استعاره مرشحه با ۹۳ مورد (۱۴/۲ درصد) و استعاره مجرده با ۶۷ مورد (۱۰/۲ درصد).

استعاره مصرحه: عدل آمد و امن آمد و رستند رعیت / از پنجه گریان ربانده غدار (ص ۱۵۷)

تا برآمد جامهای سرخ مل بر شاخ گل / پنجه‌های دست مردم سر فروکرد از چنار (ص ۱۷۵)

استعاره مکنیه: همی ترسند جباران عالم از حسام تو / ستاره از فلک رشوت فرستد زی سهام تو

مه و خورشید را رشک آید ای خسرو ز جام تو / خطایی کس نیابد هیچگاه اندر کلام تو (ص ۴۰۹)

استعاره مکنیه اضافی (اضافه استعاری):

چشم نیلوفر چو چشم ماندگان در خواب شد / تا نم نیسان دو چشم لاله را بیدار کرد (ص ۴۲۷)

موارد دیگر: دل خارا (ص ۲) / دست اجل (ص ۳۶) / در نشاط و در بلا (ص ۴۴) / دست حادثات و پای روزگار (ص ۱۶۷) / لب امید و دل اقبال (ص ۲۱۷) / پیغام گل (ص ۳۷۵) / بیخ اندوه (ص ۳۲۶).

استعاره مطلقه: تا چشم من از دیدن آن ماه جدا شد / اندوه مرا هیچ کران نیست پدیدار (ص ۱۱۱)

نه همانا که جهان قدر تو دانست همی / لاجرم نزد خردمند ندارد مقدار (ص ۹۲)

استعاره مجرده: شادی ز بتان خیزد در پیش بتان دار / با جعد سمرقندی و با زلف بخاری (ص ۳۷۷)

آمد آن ماه بت هزار ادب / آمد آن روی با هزار نگار (ص ۱۲۲)

استعاره مرشحه: گوی ترا ستاره نیایش کند همی / گوید که قدر و منزلت و مرتبت تراست (ص ۲۱)

سوسن داری شکفته بر مه روشن / بر مه روشن شکفته داری سوسن (ص ۲۶۹)
کنایه: کنایه یکی از حساسترین مسائل زبان است و چه بسا خواننده مراد نویسنده را از کنایه دریابد. پس فقط کسانی که با یک زبان آشنایی کامل دارند، از عهده فهم کنایات آن زبان برمی‌آیند (بیان، شمیسا: ص ۲۳۵). کاربرد کنایات با توجه به حجم اشعار فرخی خیلی گسترده نیست. در مجموع ۱۲۳ مورد کنایه در اشعار فرخی استفاده شده است که بترتیب ۶۵ مورد (۵۲/۸ درصد) کنایه فعلی، ۵۶ مورد (۴۵/۵ درصد) کنایه از صفت و ۲ مورد (۱/۶ درصد) کنایه از موصوف را شامل می‌شود.

کنایه از صفت: خشک‌لب و خشک‌زبان (ص ۳۶)، دندان‌خای (ص ۳۹۰)، سبک‌سنگ و سبک‌سار (ص ۱۱۲)، سپیدکار (ص ۱۵۳)، دل‌مرده (ص ۲۹۴)، سوخته‌دل و خسته‌جگر (ص ۱۸۳)، سنگین‌دل (ص ۴۴۰).
 آن کس که زبان کرد به بد گفتن او تیز / در دست اجل خشک‌لب و خشک‌زبان باد (ص ۱۳۶)
 کنایه از موصوف:

جامه نادوخته پوشد هم از روز نخست / هر کسی کو را گرفت از هیبت تیغ تو تب (ص ۶)
 تو به باغی چون بیابان دلتنگ شدی / چون گرفتستی در جایگاهی تنگ قرار (ص ۹۲)
 کنایه فعلی: از رشک تو دبیران انگشته‌ها به دندان / او گاه در ببارد ز انگشت خویش و گه زر (ص ۱۸۷)
 موارد دیگر: گرد از سر کسی برآوردن (ص ۷۹) / دمار برآوردن (ص ۷۹) / سر گران گشتن (ص ۱۰۵) / روزگار بردن (ص ۱۶۰) / دود برآوردن (ص ۱۴۲) / انگشت به دندان بودن (ص ۱۸۷) / با خاک یکی شدن (ص ۲۱۹) / یک‌زبان شدن (ص ۲۹۰) / میان بستن (ص ۲۶۳) / چشم داشتن (ص ۴۴۵) / زیر نگین داشتن (ص ۳۲۲).
مجاز: فرخی در مجموع ۹۲ مورد از انواع مجاز را در اشعار خود بکار برده است که بترتیب فراوانی شامل مجاز به علاقۀ عموم ۴۸ مورد (۵۲/۱ درصد)، محلیت ۲۱ مورد (۲۲/۸ درصد)، حالیت ۱۳ مورد (۱۴/۱ درصد)، سببیت ۳ مورد (۳/۲ درصد)، جزئیت و ماکان (۲/۱ درصد)، کلیت، خاص و آلیت هر کدام با ۱ مورد (جمعاً ۳/۲ درصد) است.
 علاقۀ سببیت: بدین زودی از من چرا سیر گشتی / نگار بدین زود سیری چرایی (ص ۳۹۴)
 کلیت: سحر حلال خواهی؟ رو لفظ خواجه بشنو / نقش بهار خواهی؟ رو روی خواجه بنگر
 از رشک او دبیران انگشته‌ها به دندان / او گاه در ببارد ز انگشت خویش و گه زر (ص ۱۸۷)
 جزئیت: دلجوی ساقیانی شیرین‌سخن که متا را / از کف دهند باده وز لب دهند شکر (ص ۱۸۸)
 آلیت: مرا دل گر نه اندر دست آن نامهربانستی / به دو دستم به شادی بر می چون ارغوانستی (ص ۴۰۳)
 عموم (ذکر عام اراده خاص):

گفتا پناه به شرع رسولست و پشت دین / گفتم بلی و پیشرو طاعت اله (ص ۳۴۳)
 خاص (ذکر خاص اراده عام):
 رایتش ساکن نگردهد یک زمان در یک زمین / رخش آرامش نگیرد ساعتی در یک مقام (ص ۲۳۶)
 ماکان: فریضه هر روز آن سنگ (= بت) را بشستندی / به آب گنگ و به شیر و به زعفران و شکر (ص ۷۰۹)
 حالیت: باده اندر دست و خوبان پیش روی / خوبروییانی به خوبی داستان (ص ۲۶۲)
 محلیت: نه مرد را سر آن کاندرا آن نهادی پی / نه مرغ را دل آن کاندرا آن گشادی پر (ص ۶۷)
 مجاز عقلی

خلافت که جست از همه شهریاران / که نه شهر او پست کردی سراسر
 خلاف تو رانده‌ست مأمونیان را / به ارگ و به طاق سپهبد مجاور

خلاف تو رانده‌ست یعقوبیان را / ز ایوان سام یل و رستم زر
خلاف تو برکنده سامانیان را / ز بستانها سرو و از کاخها در (ص ۸۳)

آرایه‌های ادبی در حوزه بدیع معنوی

موسیقی معنوی که اساس درک زیبایی درین گروه آرایه‌هاست، از تقابل یا تضاد هر نوع تناظری که در مفاهیم باشد ایجاد میشود... گروه‌بندی این مجموعه کار دشواری است، زیرا در حوزه مفاهیم و امور انتزاعی میدان فعالیت بیشتر است تا در دایره اصوات و حروف (موسیقی شعر، شفيعی کدکنی: ص ۳۰۷).

مبالغه

شد اندر فلک تنگ جای ستاره / ز بس گوی کانداختی بر دو پیکر (ص ۱۴۹)
به نامت ار بنگارند روبهی بر خاک / چو صید خواهی ازو، شیر گیرد آن روباه (ص ۳۵۷)

تضاد

شکرش همی کنند یکایک به روز و شب / پیر و جوان، توانگر و درویش، مرد و زن (ص ۳۳۲)
خوی نیکوی تو بر ما در اندوه ببست / در اندوه ببست و در شادی بگشاد (ص ۳۸)

مدح شبیه به ذم

به رای و حزم جهان را نگاه داند داشت / ولی نتاند دینار خویش داشت نگاه (ص ۳۵۷)

تلمیح

تلمیحات فرخی عمدتاً در دو حوزه اشاره به داستانها و شخصیت‌های شاهنامه و داستانهای قرآنی و شخصیت‌های دینی قابل ارزیابی است.

تلمیحات شاهنامه‌ای

من چو مظلومان از سلسله نوشروان / اندر آویخته زان سلسله زلف دراز (ص ۱۹۹)
موارد دیگر: اسکندر (۷ مورد)/ رستم (۶ مورد)/ بیژن (۳ مورد)/ اسفندیار، فرهاد و جم (۲ مورد)/ فریدون، کاووس، نوشروان، کیخسرو، بهمن، دارا، اردشیر، اردوان (۱ مورد).

تلمیحات دینی

اژدهاکردار پیچان در کف رادش سمند / چون عصای موسی اندر دست موسی گشته مار (ص ۱۷۷)
موسی (۶ مورد)/ خضر (۵ مورد)/ آدم (۳ مورد)/ عیسی (۲ مورد)/ نوح، ابراهیم، اسماعیل، لوط، داوود و حیدر = حضرت علی (۱ مورد).

سایر موارد: قارون (۲ مورد)/ داستان دمنه، وامق و عذرا، یاجوج و آصف بن برخیا (۱ مورد).

ایهام تناسب

دست و گوش تو جاودان پر باد / از می روشن و ترانه چنگ (ص ۲۱۱)
هیبت شمشیر او بر کشوری گر بگذرد / روی برنایان کند چون روی پیران پر ز چین (ص ۳۰۱)

تنسیق الصفات

خسرو شیردل پیل‌تن در یادست / شاه گردافکن لشکرشکن دشمن‌مال (ص ۲۱۹)
این بهار خرم شادی‌فزای مشکبوی / خاک را بزاز کرد و باد را عطار کرد (ص ۴۲۷)

مراعات‌النظیر

بسا بیشه‌هایی که اندر گذشتن / تهی کردی از گرگ و ببر و غضنفر (ص ۸۴)

ارسال‌المثل

آیی و گویی که بوسه خواهی؟ خواهم کور چه خواهد بجز دو دیده روشن (ص ۲۶۹)

لف و نشر

گه شکار فرود آرد و برون آرد / ز کوه تند پلنگ و ز آب ژرف نهنگ (ص ۲۰۷)

حسن تعلیل

ماه خواهد که بماند به کلاه سیهت / زان قبل گه گه بر چرخ سیه گردد ماه

آسمان خواهد کایوان سرای تو بود / زین سبب طاق مثالست و کمان‌پشت و دوتاه (ص ۳۵۵)

سیاقه‌الاعداد

هر ساعتی اندر دل و در خانه کفار / درد و فزع و ناله و فریاد و فغان باد (ص ۱۳۷)

تضمین

یک بیت شعر یاد کنم من که رودکی / گرچه تو را نگفت سزاوار آن تویی

«جز برتری ندانی گویی که آتشی / جز راستی نجویی مانا ترازوی» (ص ۴۰۱)

نتیجه‌گیری

فرخی سیستانی از شعرای سبک خراسانی است و ویژگیهای این سبک را بوفور میتوان در اشعار او سراغ گرفت. اشعار فرخی در ده بحر عروضی سروده شده است که بیشترین بسامد با ۳۳/۷ درصد از آن بحر رمل است. قریب ۵ درصد از قافیه‌های فرخی را قوافی فعلی و مابقی را قافیه‌های غیرفعلی تشکیل میدهد. در دیوان فرخی ۱۴ قصیده مردف وجود دارد و تعداد کل ابیات مردف وی ۷۶۶ بیت میباشد. از ویژگیهای زبانی اشعار فرخی میتوان به استفاده از لغات و افعال کهن، کاربرد واژگان عربی، ترکیب‌سازی، تشدید مخفف، تخفیف مشدد، کاهش و افزایش و بکارگیری فنون مختلف بدیع معنوی بویژه انواع جناس و تکرار اشاره کرد. در سطح ادبی، انواع تشبیهات در اشعار فرخی بکار گرفته شده است و بیشترین فراوانی را تشبیهات حسی به حسی و مقید به مقید و مرسل و مجمل تشکیل میدهد. بعد از تشبیه، بیشترین کاربرد از آن استعاره بخصوص استعاره مصرحه و مطلقه است که نشان‌دهنده توجه ویژه فرخی به این دو شگرد تصویرآفرین میباشد. در اشعار فرخی مجموعاً ۹ علاقه از انواع مختلف علاقات مجاز بکار گرفته شده و بیشترین آنها مجاز با علاقه عموم (ذکر خاص اراده عام) با ۴۸ مورد است. کنایات شعر فرخی در مجموع خیلی چشمگیر نیست. وی جمعاً ۳ نوع از انواع کنایه را در کلام خود استفاده کرده است که بیشترین فراوانی با ۶۵ مورد کنایه فعلی میباشد. در حوزه آرایه‌های بدیع معنوی نیز فرخی از صنایع گوناگون برای تزیین کلام بهره گرفته است که بیشترین مورد از آن آرایه تضاد و کمترین آن متعلق به آرایه تضمین میباشد.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- Bahar, Mohammad Taghi. (1970). *Stylistics*, eighth edition, Tehran: Amirkabir, p.259.
- Barani, Mohammad. (2002). Music of Farrokhi Poetry, *Journal of Persian Language and Literature*, Sistan and Baluchestan University, first year, autumn and winter, pp. 19-50.
- Divan Farrokhi Sistani. (1992). by Mohammad Dabirsiyaghi, fourth edition, Tehran: Zavvar.
- Forouzanfar, Badi-ol-Zaman. (1972). *Speakers and orators*, second edition, Tehran: Kharazmi, p.124.
- Fotouhi, Mahmoud. (2012). *Stylistics, Theories, Approaches and Methods*, Tehran: Sokhan, p.324.
- Fotouhi, Mahmoud. (2007). *Image Rhetoric*, Tehran: Sokhan, p. 91-92.
- Haghshenas, Ali Mohammad. (1991). *Literary and linguistic articles*, Tehran: Niloufar, p. 139.
- Mallah, Hossein Ali. (2006). *The link between music and poetry*, second edition, Tehran: Faza, p.81.
- Oveysi Kahkha, Abdul Ali; Abbasi, Mahmoud and Ettehadi, Hossein. (2015). Repetition and its rhetorical values in the poetry of Farrokhi Sistani, *Persian Language and Literature Research*, No. 34, pp. 88-65.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. (1995). *Poetry Music*, Fourth Edition, Tehran: Agah, p. 62, 307.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. (1991). *Images of Imagination in Persian Poetry*, Fourth Edition, Tehran: Agah, p. 486, 489.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. (2008). *Persian Poetry Periods*, Fifth Edition, Tehran: Sokhan, p. 19.
- Shamisa, Sirus. (1997). *Generalities of Stylistics*, Fourth Edition, Tehran: Ferdows, p.153.
- Vahidian Kamyar, Taghi. (2000). *Innovative from the point of view of aesthetics*, Tehran: Dustan, p.28.
- VataVat, Rashid al-Din Mohammad. (1983). *Hadaïq al-Sahar in the Minutes of Poetry*, edited by Abbas Iqbal Ashtiani, Tehran: Sanai and Tahoori Library, p. 87.
- Yousefi, Gholam Hossein. (1989). *Farrokhi Sistani: A Discussion on the Description of His Life and Times and His Poetry*, Second Edition, Tehran: Elmi, p. 87, 558.

فهرست منابع

- ادوار شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۷)، چاپ پنجم، تهران: سخن.
- بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی، وحیدیان کامیار، تقی، (۱۳۷۹)، تهران: دوستان.
- بلاغت تصویر، فتوحی، محمود، (۱۳۸۶)، تهران: سخن.
- پیوند موسیقی و شعر، ملاح، حسینعلی، (۱۳۸۵)، چاپ دوم، تهران: فضا.

تکرار و ارزشهای بلاغی آن در شعر فرخی سیستانی، اویسی کهخا، عبدالعلی؛ عباسی، محمود و اتحادی، حسین، (۱۳۹۴)، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۳۴، صص ۸۸-۶۵.

حدائق السحر فی دقائق الشعر، وطواط، رشیدالدین محمد، (۱۳۶۲)، به تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: کتابخانه سنایی و طهوری.

دیوان فرخی سیستانی، (۱۳۷۱)، به کوشش محمد دبیرسیاقی، چاپ چهارم، تهران: زوار.

سبک‌شناسی، بهار، محمدتقی، (۱۳۷۵)، چاپ هشتم، تهران: امیرکبیر.

سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی، محمود، (۱۳۹۱)، تهران: سخن.

سخن و سخنوران، فروزانفر، بدیع الزمان، (۱۳۵۰)، چاپ دوم، تهران: خوارزمی.

صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۰)، چاپ چهارم، تهران: آگه.

فرخی سیستانی: بحثی در شرح احوال و روزگار و شعر او، یوسفی، غلامحسین (۱۳۶۸)، چاپ دوم، تهران: علمی.

کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس، (۱۳۷۵)، چاپ چهارم، تهران: فردوس.

مقالات ادبی و زبانشناسی، حق‌شناس، علی‌محمد (۱۳۷۰)، تهران: نیلوفر.

موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۳)، چاپ چهارم، تهران: آگه.

موسیقی شعر فرخی، بارانی، محمد، (۱۳۸۱)، مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال اول، پاییز و زمستان، صص ۱۹-۵۰.

معرفی نویسنده

محمد یآوری: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، ایران.

(Email: yavari1350@yahoo.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introduction of the author

Mohammad Yavari: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Iran.

(Email: yavari1350@yahoo.com)